

تدوین چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بافت های فرهنگی - تاریخی*

پیروز حناچی^{۱*}، سمیه فدائی نژاد^۲

^۱دانشیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
^۲دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۲/۲۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۶/۱۳)

چکیده:

این مقاله ضمن شناخت و بررسی سیاست ها و برنامه های «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» در دو دهه اخیر، به معرفی این رویکرد در آئینه اسناد و مدارک منتشره از سوی مجامع و مراجع بین المللی، می پردازد؛ به عبارتی می توان بازتاب بسیاری از مفاهیم، سیاست ها و برنامه های تدوین شده در حوزه حفاظت و بازآفرینی را در محتوا و نحوه تنظیم اسناد رسمی و بین المللی جستجو نمود، به گونه ای که نتیجه آن به دنبال واکاوی و تدوین چارچوب مفهومی «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» به عنوان رویکرد غالب در مواجهه با بافت های فرهنگی - تاریخی در دو دهه اخیر بوده است. بر مبنای چارچوب مفهومی «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» معیار «برجستگی» مکان تحت تاثیر زیرمعیارهای «اصالت»، «یکپارچگی» و «ارزش نسبی»، در وجه حفاظتی آن و از طرفی دیگر، معیار «سرزندگی اقتصادی» تحت تاثیر زیرمعیارهای بازآفرینی فیزیکی، کارکردی و فرهنگی - اجتماعی، در وجه توسعه ای چارچوب «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» مورد توجه قرار می گیرند. به علاوه، سیاست «بازآفرینی حفاظت مینا» به عنوان سیاست غالب در ایجاد همگرایی و تعادل میان اهداف و برنامه های «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» در بافت های فرهنگی - تاریخی در دو دهه اخیر به رسمیت شناخته شده است.

واژه های کلیدی:

حفاظت، بازآفرینی، برجستگی، سرزندگی اقتصادی، محیط های فرهنگی - تاریخی.

*این مقاله برگرفته از مباحث طرح پژوهشی رساله دکتری معماری نگارنده دوم با عنوان «حفاظت و توسعه یکپارچه در مجموعه های معماری تاریخی؛ چالش ها، راهبردها و سیاست ها» می باشد که در پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران تحت راهنمایی نگارنده اول در دست تهیه می باشد.

**نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱-۳۳۱۱۸۲۳۸، نمابر: ۰۲۱-۲۲۲۸۷۶۸، E-mail: hanachee@ut.ac.ir

مقدمه

ایکوم^۱، سازمان شهرهای میراث جهانی^۲، میراث انگلستان^۳ اشاره نمود. بررسی این اسناد ضمن کمک به شناخت آخرین دیدگاه‌های مطرح در این حوزه، نمونه‌ای از چارچوب عملی تحقق سیاست‌های «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» را ارائه می‌دهند. در این میان اسناد منتشره از سوی موسسه گتی در آمریکا و میراث انگلستان نقش موثرتری در شناخت تجربیات و چارچوب عملی سیاست‌های حفاظت و توسعه برعهده دارند. قواعد و دستوراتی که از میان سطور این اسناد درک می‌گردد، به نوعی بیانگر نوعی روند تکاملی در رویکردهای حفاظت و بازآفرینی در محیط‌های تاریخی می‌باشد، که نوع متأخر آن را «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» نام نهاده‌اند. «در رویکرد متأخر آن، به نظر می‌رسد که میراث در همه ابعاد خود در حال از نوزاده شدن است، و محتوای منشورها و بیانیه‌ها، بر این امر گواهی می‌دهند» (لطفی، ۱۳۸۷). در این میان، برخی از اسناد، بیشتر بر جنبه‌های کالبدی تاکید ورزیده‌اند و برخی دیگر، بر جنبه‌های محتوایی، معنایی و ناملموس میراث نظر داشته‌اند، اما به طور معمول، بر هر دو بُعد تاکید وجود داشته، و حفاظت و بازآفرینی میراث به شکل فعالیتی فراگیر و یکپارچه مطرح گردیده است. بررسی و تحلیل این اسناد به عنوان بخش مهمی از «مرور ادبیات موضوع»، در کنار بررسی روند تکامل اندیشه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های حفاظت و بازآفرینی خصوصاً در دو دهه اخیر می‌تواند در تدوین چارچوب مفهومی رویکرد «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» نقش بسزایی داشته باشند. در مقاله حاضر ضمن معرفی زمینه‌های شکل‌گیری رویکرد «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه»، سیاست «بازآفرینی حفاظت‌مبنا» یا به عبارتی «حفاظت از طریق توسعه»^۴ به عنوان جامع‌ترین سیاست در مواجهه با مسایل بافت‌های فرهنگی - تاریخی مورد توجه قرار می‌گیرد. این سیاست از اواخر دهه نودم در کنار سیاست‌های دیگری همچون سیاست‌های «بازآفرینی فرهنگ‌مبنا»، «بازآفرینی طراحی‌مبنا»، «بازآفرینی اجتماع‌مبنا»، «بازآفرینی محیط‌مبنا» مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری در مواجهه با بافت‌های تاریخی قرار گرفته است. اجرای چنین سیاست‌هایی توسط دولت‌های اروپایی در شهرها و خصوصاً مناطق تاریخی شهرها، علاوه بر حفظ «اصالت»^۵، «یکپارچگی»^۶، «ارزش نسبی»^۷ و در مجموع «برجستگی و منزلت فرهنگی»^۸ مکان، زمینه را به منظور ایجاد «سرزندگی اقتصادی» و توجه به ابعاد مختلف بازآفرینی فیزیکی، کارکردی و فرهنگی - اجتماعی در بافت‌های فرهنگی - تاریخی فراهم آورده است.

چرا گذشته را بشناسیم؟ منظور از شناخت گذشته بازگشت به گذشته نیست. بازگشت به گذشته اساساً منتفی بوده و هر نوع تاکید مضاعف در این باره، جز به تقلید و صحنه‌آرایی منجر نخواهد شد، لکن شناخت و آگاهی از روند تحولات در گذشته برای انجام اقدامات در آینده سودمند خواهد بود. از این رو شناخت و سنجش معیارهای «اصالت»، «یکپارچگی» و «ارزش نسبی» مکان‌های تاریخی می‌تواند نقش ارزنده‌ای را در انجام تغییرات و توسعه‌های جدید در این مکان‌ها داشته باشد و زمینه را به منظور همگرایی هر چه بیشتر رویکردهای حفاظت و توسعه یا به عبارتی «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» فراهم آورد.

هدف اصلی در این مقاله، تدوین چارچوب مفهومی «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» به منظور معرفی معیارهای «حفاظت و توسعه یکپارچه» برای ارائه راهبردها، سیاست‌ها، برنامه‌ها و مدیریت جامع و یکپارچه در بافت‌های تاریخی می‌باشد. برای این منظور، مقاله حاضر از بازخوانی متون، اسناد، کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌های بین‌المللی مرتبط با موضوع حفاظت و بازآفرینی آغاز نموده و سپس به بررسی سیر تکامل رویکردها، برنامه‌ها و سیاست‌های حفاظت و بازآفرینی در دو دهه اخیر می‌پردازد. در پایان، نتایج حاصل در راستای تدوین چارچوب مفهومی «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» به منظور معرفی معیارهای کلیدی «حفاظت و توسعه توأمان» برای مدیریت یکپارچه در بافت‌های فرهنگی - تاریخی مورد استفاده قرار می‌گیرند. از این رو، به منظور شناخت و درک چارچوب مفهومی «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه»، بایستی اهمیت «برجستگی» به عنوان معیار کلیدی «حفاظت یکپارچه» و اهمیت «سرزندگی اقتصادی» به عنوان معیار کلیدی «بازآفرینی یکپارچه» مورد توجه قرار گیرد.

در مقاله حاضر راهبرد «استدلال منطقی» به عنوان استراتژی تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. این مقاله بیشتر جنبه «توصیفی - تحلیلی» دارد، در این مقاله با استفاده از راهبرد «استدلال منطقی» و تکنیک «تحلیل محتوا» و «استنتاج منطقی»، تلاش خواهد شد تا مطالب دسته‌بندی شوند و بر اساس سامانه‌ای منسجم تدوین گردند، و در نتیجه بستری برای چگونگی ادامه راه و شناخت مسیرهای حرکت به سوی هدف مورد نظر فراهم آورد. همچنین از تاکتیک‌های مطالعه و مشاهده اسنادی با استناد به مطالب مندرج در کتب، مقالات و اسناد معتبر به عنوان ابزارهای تحقیق استفاده شده است. از جمله منابع مورد استفاده در این مقاله می‌توان به اسناد منتشره از سوی موسسه حفاظت گتی در آمریکا، یونسکو^۹، ایکوموس^{۱۰}، ایکرم^{۱۱}؛

۱- بررسی و تحلیل ویژگی ها و سیاست های رویکرد «حفاظت و توسعه یکپارچه» بر پایه قطعنامه ها، کنوانسیون ها و اسناد منتشره بین المللی و ملی

ایران نیز نشست‌های تخصصی، کنگره ها، همایش های مرتبط با حفاظت و حمایت از ثروت های فرهنگی - تاریخی در ابتدا توسط پژوهشگران خارجی همچون «ارنست هرتسفلد، فیلیپس آکرمن و آرتور پوپ» و سپس با تشکیل انجمن آثار ملی با حمایت دولت در دهه های نخست قرن حاضر برگزار گردید (حناچی و همکاران، ۱۳۸۶)، گروه سوم از این همایش‌ها که عمدتاً با بیانیه ها و یا قطعنامه ای همراه بوده‌اند از اواخر دهه ۴۰ شمسی آغاز و تاکنون نیز ادامه دارند که از جمله متأخرترین آنها می توان به همایش تجدید حیات بافت‌های با ارزش تاریخی - فرهنگی یزد در سال ۱۳۸۷ و مجموعه همایش‌های بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری در مشهد آذرماه ۱۳۸۷ و شیراز در اردیبهشت ماه ۱۳۸۹ اشاره نمود که توسط سازمان میراث فرهنگی و شرکت های استانی عمران و بهسازی و با حمایت وزارت مسکن برگزار گردیده اند، لکن علی رغم تلاش‌های صورت گرفته، میزان تاثیرگذاری جریان‌های فکری بر فرآیند تصمیم سازی، سیاست گذاری و برنامه ریزی بر این حوزه بسیار اندک بوده است.

پیرامون چگونگی بررسی و تحلیل اسناد معاصر حفاظت و بازآفرینی، ذکر این مورد لازم است که اسناد مربوطه به لحاظ حجم، محتوا و سطح اهمیت ویژگی یکسانی ندارند، برخی از آنها دارای سطح اهمیت بین المللی و برخی منطقه ای و ملی می باشند. در عین حال، محتوای این اسناد و نحوه اشاره یا پرداختن به موضوع حفاظت و بازآفرینی در آنها متفاوت بوده است. به همین دلیل تلاش گردیده تا در این مقاله، تاکید اصلی متوجه آن بخش از بیانیه ها و اسنادی باشد که با موضوع و هدف مقاله حاضر قرابت بیشتری دارند.^{۱۰} اهمیت دقت در این اسناد، پی بردن به اجماعی بین المللی است که بر سر موضوع حفاظت و بازآفرینی محیط های فرهنگی - تاریخی، در مجامع بین المللی وجود دارد. از این راه، همین‌طور می توان به متکثر شدن بیش از پیش مفاهیم و مشتق شدن راهبردها و سیاست های نوین در حفاظت و بازآفرینی پی برد. آنچه از بررسی منشورها، بیانیه ها و اسناد منتشره در دو دهه اخیر حاصل می شود، نشان می دهد که چگونه واژه حفاظت که عموماً بر نگهداشت صرف و ارتقای ساختار های تاریخی تاکید داشت در دهه های اخیر با مفهوم مدیریت تغییر در محیط های تاریخی مورد استفاده قرار گرفته است (English Heritage, 2008) چگونه رویکرد حفاظت که از نقطه آغاز با مرمت تک بنا آغاز شده بود «رفته رفته به فضای بین ابنيه، مجموعه ها، بافت ها، شهر های تاریخی و امروزه به منظر فرهنگی و منظر شهری گسترش یافته است» (Jokilehto, 2007, 2). در واقع این روند با دیدی صرفاً کالبدی آغاز شد، از این رو در منشورها و توصیه نامه های اولیه بیشتر بر حفظ اصالت و ارزش های تاریخی کالبد معماری و مواد و مصالح تاکید شده است، لکن به تدریج از منشور و نیز به منشور بورا، توجه اساسی به «مکان» و «زمینه» گسترش می یابد و با

از دهه ۱۹۹۰ م به بعد رویکرد «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» به عنوان رویکردی غالب در بازآفرینی محیط های فرهنگی - تاریخی مطرح می گردد و از سوی انجمن ها، افراد و موسسات در مقیاس های مختلف محلی، ملی و بین المللی مورد توجه، حمایت و توسعه قرار می گیرد. فعالیت سازمان های مختلف، برگزاری کنفرانس های ملی و بین المللی و صدور قطعنامه ها، توصیه نامه ها و دستورالعمل ها، فضای جدیدی را برای هدایت این جریان فراهم می آورد. (Jokilehto, 1998 cited in Izadi, 2008) در ادامه اسامی تعدادی از مهم ترین اسناد منتشره در دو دهه اخیر در رابطه با حفاظت و بازآفرینی محیط های فرهنگی - تاریخی آورده می شود و در پایان این بخش نتایج حاصل از بررسی مهم ترین این اسناد در قالب جدولی، به تفکیک سطح اهمیت سند^{۱۱}، نام سند، سال انتشار آن، نهاد مسئول، هدف از ارائه سند، حوزه مداخله و اصول پیشنهادی بر مبنای رویکرد «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه»، بیان می گردد. از جمله اسناد بین المللی مذکور می توان به: معاهده ماستریخت (۱۹۹۲ م)، منشور ایکوموس نیوزیلند (۱۹۹۳ م)، دستورالعمل کلمبیا - سریلانکا (۱۹۹۳ م)، بیانیه ازاکا (۱۹۹۳ م)، منشور فاس (۱۹۹۳ م)، سند نشست نارا (۱۹۹۴ م)، قطعنامه برگن (۱۹۹۵ م)، بیانیه سان آنتونیو (۱۹۹۶ م)، منشور صوفیه (۱۹۹۶ م)، قطعنامه گردهمایی استهکم (۱۹۹۸ م)، اظهارنامه ملیورن (۱۹۹۸ م)، اعلامیه سانتیاگو و کومپوستیلا (۱۹۹۹ م)، منشور بورا (مصوب ۱۹۷۹ م) و اصلاحیه ها و اسناد تجدید نظر سال های ۱۹۸۱، ۱۹۸۸، ۱۹۹۹ م، منشور دوازدهمین نشست عمومی ایکوموس در مکزیک (۱۹۹۹ م)، بیانیه مکزیکوسیتی (۱۹۹۹ م)، منشور کراکف (۲۰۰۰ م)، بیانیه کبک (۲۰۰۱ م)، بیانیه بوادپست (۲۰۰۲ م)، بیانیه کازان (۲۰۰۲ م)، منشور چهاردهمین نشست عمومی ایکوموس در زیمبابوه (۲۰۰۳ م)، بیانیه هوی آن (۲۰۰۳ م)، منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی (۲۰۰۳ م)، همچنین قطعنامه های شش سمپوزیوم بین المللی شورای اروپا در طی سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ میلادی و منشور شانزدهمین نشست ایکوموس در کبک کانادا (۲۰۰۸ م) اشاره نمود، که هر یک به نوبه خود دیدگاه های نوینی را در رابطه با سیاست های «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» مطرح نموده اند و خواستار حمایت همه جانبه سازمان ها، مجامع و نهادهای تخصصی و حرفه ای از این جریان و سیاست های مورد وفاق صاحبان اندیشه در این گردهمایی ها شده اند، اصلی ترین نهادهای مسئول تنظیم این اسناد را «سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد - یونسکو»، «شورای بین المللی بناها و محوطه های تاریخی، ایکوموس»، «سازمان جهانی شهرهای تاریخی» وابسته به ایکوموس، «موسسه حفاظت گتی در آمریکا»، «سازمان میراث انگلستان»، شورای اروپا با تاسیس «انجمن اروپایی شهرها و مناطق تاریخی» تشکیل می دهند که به شکل گسترده ای به ترویج و ارتقای دانش حفاظت پرداخته اند. در

تکون مفهوم حفاظت، دید فرهنگی و اجتماعی به این حیطة وارد شده و آن را تکامل می‌بخشد به گونه‌ای که در اسناد و منشورهای دو دهه اخیر به ویژه منشور ایکوموس نیوزیلند (۱۹۹۳)، سند نار (۱۹۹۴)، منشور بورا (۱۹۹۹)، منشور ایکوموس (۲۰۰۳) و منشور ایکوموس (۲۰۰۸)، تحول شگرفی در تعریف اصول، دستورالعمل‌ها و معیارهای استفاده از مکان‌های فرهنگی - تاریخی به عنوان

منابعی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار، با توجه و احترام به اصالت، یکپارچگی و حفظ «برجستگی و منزلت فرهنگی» این مکان‌ها، بوجود آمده است. با توجه به تلاش کشورهای مختلف در حوزه مشارکت تدوین قوانین پویای حفاظت؛ مانند کشور استرالیا که منشور بورا را در رابطه با اهمیت و ارزش مکان‌های تاریخی به دلیل وضعیت خاص بومیان کشورش ارائه می‌دهد، یا کشور

جدول ۱- بررسی و دسته بندی مهمترین اسناد منتشره، بیانیه ها و منشورهای بین المللی ایکوموس بر مبنای «چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» در دو دهه اخیر.

سطح اهمیت سند	نام سند	نهاد مسئول	هدف	حوزه مداخله	اصول پیشنهادی اسناد در رابطه با حفاظت و بازآفرینی یکپارچه
مسطح ملی ایکوموس (درجه اهمیت ۳)	منشور ایکوموس نیوزیلند (۱۹۹۳)	ایکوموس	ارائه دستورالعمل و چارچوب عملی برای دولت های محلی	مجموعه چشم اندازها، بنامد، ساختارهای میراثی، باغ ها و محوطه های باستانی	- شناخت و حفاظت از میراث فرهنگی بومی با مسئولیت جامعه محلی - انجام مشورته های اجتماعی و دریافت اطلاعات از جامعه محلی. (توجه به ارزش های اجتماعی) - توجه به زمینه تاریخی، فرهنگی - اجتماعی و شواهد موجود در محیط تاریخی. [اشاره به ارزش های تاریخی، اجتماعی و شهودی]
بین المللی (درجه اهمیت ۲)	بیانیه های مصوب سبوزیم های ایکوموس (درجه اهمیت ۲)	یونسکو، ایکوموس	تاکید بر جنبه های معنی جهانی شدن، تاریخی، محلات تاریخی، و تسلط بر فرهنگ گروه های قلیبت؛ توجه اساسی به اقدامات حفاظتی، اصالت و هویت بخشی بر ارزش ها و میراث محلی و بومی	تک بنا، مجموعه های معماری و شهری تاریخی، محلات تاریخی، روستا و شهر تاریخی	- حفاظت از تنوع فرهنگی و تنوع میراث و تقویت آن به عنوان وجه ضروری توسعه و بازآفرینی - حفاظت از میراث فرهنگی بر مبنای احترام به ارزش های تاریخی و شهودی. [وابسته به میزان اعتبار و صحت منابع اطلاعاتی است که پیرامون این ارزش ها وجود دارد] - اصالت عامل اصلی تعیین ارزش به شمار می رود، درک اصالت نقش بنیادین در برنامه ریزی حفاظت، ایفاء می کند. - فضاهای پیرامون ارزش ها و اصالت مکان تاریخی در رابطه با بستر فرهنگی ای که اثر در آن قرار گرفته است. (توجه به ارزش های فرهنگی - اجتماعی مکان) - تاکید بر اهمیت اصالت طرح، مواد و مصالح، کاربری و اصالت مکان - شناخت و سنجش ارزش های زیبایی شناختی، تاریخی، اجتماعی و علمی میراث. - پذیرش گردشگری فرهنگی بر مبنای بیانیه کیونو، لکن عدم پذیرش ملاحظاتی گردشگری به عنوان معیار سلسط در امر حفاظت و بازآفرینی یکپارچه.
بین المللی (درجه اهمیت ۲)	بیانیه های مصوب سبوزیم های ایکوموس (درجه اهمیت ۲)	یونسکو	توجه به اصالت در حفاظت و مدیریت میراث فرهنگی	تک بنا، مجموعه های معماری و شهری تاریخی، محلات تاریخی، روستا و شهر تاریخی	- پس از تمرکز بر ساحت اصالت در سند تاراد بیانیه سالن آنتونیو فلامینی را در قالب اصالت و تاریخ، ارزش های اجتماعی، اصالت و مدیریت، اصالت و اقتصاد بیان می کند. - درک و شناخت محیط تاریخی بر پایه شناخت و سنجش برجستگی و ارزش های مکان در طول زمان میسر می شود. - آگاهی و افزایش سطح دانش جامعه نسبت به ارزش های موجود. - توسعه پایدار را امری ضروری برای محیط های فرهنگی و تاریخی قلمداد می کند. - ارائه راهبردها و سیاست هایی به منظور عدم جایگزینی و جابه جایی ساکنان بافت تاریخی شهر. [اشاره به حفظ ارزش های اجتماعی مکان] - درک اصالت، یکپارچگی و هویت مکان های تاریخی. برای فهم طبیعت پویای ارزش های میراث اثری می باشد. - در این بیانیه توجه به اصالت و اقتصاد گردشگری، به صورت توانمند مورد توجه قرار گرفته اند.
مسطح ملی ایکوموس (درجه اهمیت ۳)	منشور ملی ایکوموس (درجه اهمیت ۳)	ایکوموس استرالیا	مرمت، حفاظت و مدیریت مکان های واجد ارزش فرهنگی	مکان های با ارزش فرهنگی [طبیعی، تاریخی، بومی و ...]	- نگارش یکپارچه به حفاظت و بازآفرینی در محیط های تاریخی و مدیریت محیط های واجد ارزش فرهنگی. - حفاظت به عنوان جزئی از فرآیند بازآفرینی. - تاکید بر نقش مؤثر مردم، صاحبان، مدیران و متولیان و مشارکت این گروه ها در حفاظت و بازآفرینی محیط های فرهنگی - تاریخی. - هماهنگ بودن و استفاده از موازین سایر سازمان های مرتبط با حفظ و نگهداری از محیط های طبیعی و انسان ساخت. (رویکرد بین رشته ای و بین سازمانی در حفاظت و بازآفرینی) - تاکید بر حفاظت پایدار از ارزش های فرهنگی و مکان های تاریخی. - رویکرد آگاهانه به تغییر و اعمال حداقل تغییر آرمه، ایجاد راهی برای بروز تغییرات طبیعی و جلوگیری از تهدید پیوستگی در ساختارهای تاریخی. - تاکید بر بازآفرینی و معاصر سازی کارکردی و محتوایی میراث.
بین المللی (درجه اهمیت ۱)	منشور مصوب مجمع عمومی ایکوموس (درجه اهمیت ۱)	بیانیه مکزیکوسیتی (۱۹۹۹)	دوازدهمین مجمع عمومی ایکوموس به عنوان بهترین وسیله تبادل فرهنگی لازم و ملزوم بودن حفاظت و بازآفرینی در محیط های تاریخی و توجه به صنعت گردشگری	میراث بومی و محلی	- میراث به عنوان ثلث توسعه در حال و آینده و اشاره به سیاست حفاظت و بازآفرینی یکپارچه و جلوگیری از خدشه وارد شدن بر اصالت و یکپارچگی محیط های فرهنگی - تاریخی - پیش ملذوم بر مبنای ارزش ها، برجستگی مکان های فرهنگی - تاریخی و توجه به معیار برجستگی میراث در درون توسعه پایدار و گردشگری. - توجه و تکیه بر تفاوت ها و تنوع های فرهنگی در عصر جهانی شدن. - توجه به ضرورت حفاظت از ارزش های میراث برای جامعه محلی از طریق اطلاع رسانی ملذوم. - رایج شدن واژه میراث و توجه به جنبه های خاص از میراث، میراث و توسعه پایدار؛ میراث و حفاظت و بازآفرینی یکپارچه؛ میراث و جهانی شدن. - گردشگری ضمن منافع [اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و ...] جوامع میزبان می باشد. جوامع باید نسبت به حفاظت و نگهداری میراث و فرسوم گردشگری خود راغب باشند. [دستیابی به صنعت پایدار گردشگری فرهنگی]
بین المللی (درجه اهمیت ۱)	منشور مصوب مجمع عمومی ایکوموس (درجه اهمیت ۱)	بیانیه مکزیکوسیتی (۲۰۰۰)	دوازدهمین مجمع عمومی ایکوموس	میراث بومی و محلی	- «اصالت» که بازتاب آن را می توان در مصالح فیزیکی، حافظه جمعی و سنت های معنوی به جا مانده از گذشته دید، از جمله عوامل اصلی مؤثر بر معیار «برجستگی» می باشد، برنامه های بازآفرینی باید برای بهبود درک و شناخت میراث فرهنگی به معرفی و تفسیر «اصالت» و «یکپارچگی» مکان ها و آیین های فرهنگی برقرارند. [بیانگر اهمیت احترام به معیارهای اصالت و «یکپارچگی» در سازگاری با استانداردهای زندگی معاصر می باشد] - تاکید بر استفاده از مصالح بومی، سبک های معماری بومی یا سنت های بومی در پروژه های توسعه. - میراث توسعه و بازآفرینی در محیط های تاریخی باید با توجه معیار «برجستگی» محیط های تاریخی کنترل شود. - حفظ میراث سنت ساخت بومی باید در بین واقع و واقف بودن به گریز ناپذیری از تغییر و توسعه، و ضرورت احترام به معیار «برجستگی» میراث. با بهره گیری از تخصص چند رشته ای صورت پذیرد. میراث سنت ساخت بومی، بخشی جدایی ناپذیر از چشم انداز فرهنگی می باشد و در گسترش رویکردهای حفاظت باید این رابطه مورد توجه قرار گیرد.
بین المللی (درجه اهمیت ۱)	منشور مصوب مجمع عمومی ایکوموس (درجه اهمیت ۱)	ایکوموس کانادا (کیک)	تعریف اصول، دستورالعمل ها و معیارهایی برای استفاده صحیح از میراث به عنوان منابعی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار، با توجه و اهمیت احترام به معیارهای اصالت، «یکپارچگی»، ارزش، و «برجستگی» در مجموع «برجستگی» میراث.	سیر فرهنگی [تک بنا، مجموعه های معماری و شهری تاریخی، محلات، بافت های تاریخی شهرها، چشم اندازهای فرهنگی و طبیعی و ...]	- سیر فرهنگی، باید شرایط لازم را به منظور احراز معیار اصالت، برآورده سازند و قادر به بیان ارزش های ملموس و ناملموس، میراثی گردند. - معیار «اصالت» باید به عنوان یکی از مهمترین معیارها به منظور سنجش برجستگی سیر فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. - مفاهیم «معیارهای اصالت» و «یکپارچگی» باید در زمینه فرهنگی و طبیعی ای که «ثروت های فرهنگی» در آن قرار گرفته اند، آشکار باشند تا از آن طریق بتوان «برجستگی» میراث را مورد بررسی و سنجش قرار داد. - روش ها و تکنیک هایی که برای حمایت، حفاظت و مدیریت «سیر فرهنگی» مورد استفاده قرار می گیرند، خواه از نوع سنتی یا جدید باشند باید با توجه و احترام به معیارهای «اصالت» و «یکپارچگی» انتخاب گردند. - توجه به ارتباطات تاریخی و عملکردهای پویا به منظور نمایش ویژگی های متمایز «سیر فرهنگی» ضروری می باشند، که باید حفظ و نگهداری شوند. به علاوه، وجود یکپارچگی می تواند نشانگر آن باشد که بافت کالبدی و فیزیکی یا ویژگی های مهم آثار در شرایط خوبی می باشد و اثرات جریان فرسودگی کنترل شده اند و به هر حال وجود یکپارچگی و انسجام در «سیر فرهنگی» و اجزای تشکیل دهنده شان در مجموع می تواند اثرات مثبتی توسعه بی رویه و عدم توجه به آنها را نشان دهد. [اشاره به حفظ «یکپارچگی ساختاری» تاریخی و «یکپارچگی عملکردی» و «یکپارچگی بصری-زیبایی شناختی» در توسعه های جدید دارد] - بازدهی آموزشی باید بر پایه ای متعلق بر مبنای اثرات محیطی و منافع عمومی شان مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرند. مشارکت های اجتماعی بهترین ابزار به منظور کنترل، پیش و جلوگیری از اثرات منفی توریسم به شمار می آیند. در زمینه گسترش فرآیندهای فرهنگی با اهداف توریستی باید اولویت به همکاری کمتنه ها و کمیتهای های محلی و منطقه ای توریستی داده شود. - «سیر فرهنگی» نیازمند ابزار جدیدی به منظور ارزیابی، حفاظت، نگهداری و ارزش گذاری می باشند. ابتدا باید فهرست دقیقی از عناصر ارزشمند شناسایی و تهیه نمود، سپس ارزیابی آنها بر پایه سنجش معیارهای «اصالت»، «یکپارچگی» و ارزش نسبی، میراث و به طور کلی تعیین اثرات توسعه بر ارزش ها و «برجستگی» شان صورت پذیرد. همچنین فرآیند حفاظت به منظور کنترل اثرات فرسودگی و توسعه راهبردها باید به منظور کنترل اثرات منفی توسعه لازم و ضروری می باشد و می تواند محافظت از ارزش ها و برجستگی میراث را تضمین نماید. شناخت و درک جامع ارزش ها و برجستگی میراث فیزیکی پایه ای به منظور هر نوع اقدام در ارتباط با «سیر فرهنگی» و در مجموع «ثروت های فرهنگی» به شمار می آیند. - به منظور حمایت و ارتقای «سیر فرهنگی» می توان به میزان مناسب از زیرساخت های تکمیلی استفاده نمود، به گونه ای که این اقدامات سبب تهدید و به خطر افتادن ارزش های فرهنگی میراث و در مجموع برجستگی میراث به عنوان معیار کلیدی نگردند. - درک و شناخت برجستگی سیر فرهنگی، معیاری مهم در مدیریت سیر فرهنگی به شمار می آید. ابزارهای مدیریتی باید به منظور حمایت و حفاظت از آنها در برابر همه انواع خطراتی که می تواند بر روی «اصالت» و «یکپارچگی» آنها و «برجستگی» شان اثرگذار باشند، مورد استفاده قرار گیرد. - «سیر فرهنگی» در بستر های طبیعی و فرهنگی قرار دارند، خصوصیات بسترهای طبیعی و فرهنگی می تواند بر سیر فرهنگی و اجزای تشکیل دهنده آنها تاثیرگذار باشند و در تعریف «ارزش ها» و «برجستگی» آنها مؤثر باشند. این ارزش ها در حفاظت نقش پایه ای ای و اساسی بر عهده دارند. - چشم اندازهای فرهنگی و طبیعی نقش بسزایی را در شکل گیری سیر فرهنگی، به عنوان یکی از مولفه های تشکیل دهنده بستر و زمینه شکل گیری سیر فرهنگی، بر عهده دارند. - حمایت و حفاظت از سیر فرهنگی و اجزای تشکیل دهنده آنها نیازمند دارا بودن دانش عمیق پیرامون ویژگی های تاریخی، طبیعی و فرهنگی زمینه و بستر می باشد که سیر فرهنگی در آن قرار گرفته اند. هر نوع اقدامی که صورت می گیرد باید متناسب با زمینه مورد اقدام باشد و با توجه و احترام به ویژگی های آن و عدم مخدوش نمودن چشم اندازهای سنتی از نوع طبیعی فرهنگی آنها، صورت پذیرد.

سند، نام سند، سال انتشار آن، نهاد مسئول، هدف، حوزه مداخله و اصول پیشنهادی سند، بر مبنای رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه ارائه نمود (جدول ۱). در این میان سطح اهمیت سند به سه دسته کلی بین المللی، منطقه ای و ملی تقسیم می شود، بخش مهمی از این اسناد مربوط به منشورها، بیانیه ها و اسناد مصوب ایکوموس می باشند که به نوبه خود به لحاظ اهمیت به سه سطح تقسیم می شوند: الف - «منشورهای مصوب مجمع عمومی ایکوموس^{۱۶}»، ب - «بیانیه های مصوب سمپوزیوم های ایکوموس^{۱۷}»، ج - «درجه اهمیت ۲» - منشورهای مصوب کمیته ملی ایکوموس^{۱۸}، [درجه اهمیت ۳].

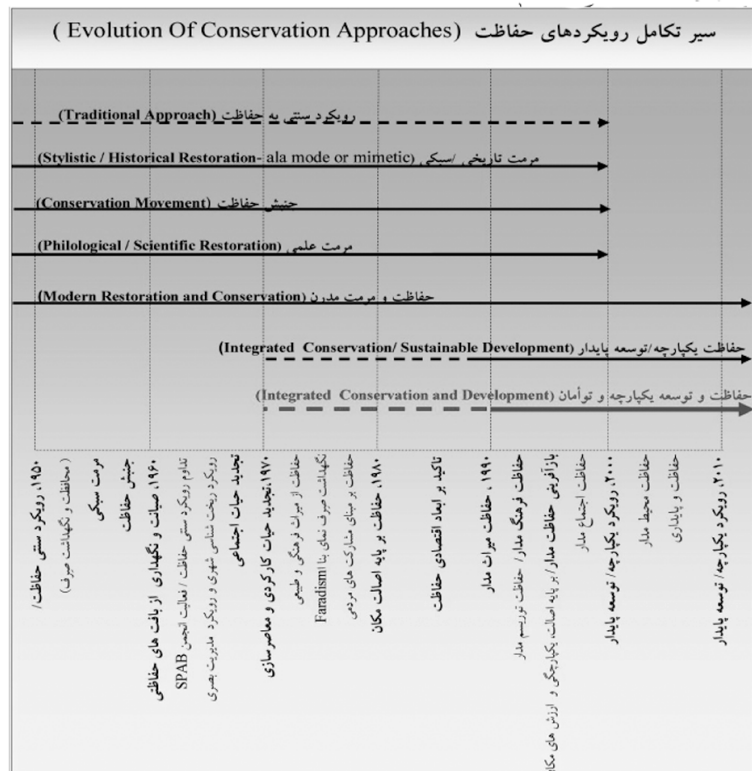
۲- بررسی سیر تکاملی رویکردها، سیاست ها و برنامه های حفاظت و بازآفرینی در بافت های فرهنگی - تاریخی

تحولات دهه ۱۹۷۰ م را می توان شروع نخستین گام های عملی به سوی ایجاد فصل مشترک فی مابین حفاظت و توسعه تلقی نمود. در انگلستان شهرهای بث، چستر چی چستر و یورک در رده نخستین شهرهای مجری برنامه های مرمت شهری به شمار می آیند که موضوع حفاظت را به عنوان محرک هایی برای توسعه و بازآفرینی در برنامه ریزی شهرهای تاریخی خود مورد توجه قرار دادند (حبیبی، ۱۳۸۶). علی رغم وجود تفاوت ها، (۱) همه این طرح ها در اصل طرح هایی جامع بوده اند و (۲) همگی حامی ایجاد تعادل میان حفاظت از ویژگی ها و ارزش های تاریخی شهر با تجدد و توسعه بودند» (Pendelbery, 2005, 296&270): در ایتالیا، طرح های مربوط به شهرهای اسیسی، گوپیو، و وینچنزا به عنوان نخستین تجارب و در ادامه اوربینو، بولونیا و فرارا سایر تجارب این دوره بودند که مراکز تاریخی را در قالب یک رویکرد یکپارچه مورد توجه قرار دادند، اما همچنان تمرکز روی بناهای تاریخی بود (Jokilehto, 2007).

از موارد قابل توجه در این دوره می توان به آغاز رویکرد استفاده از ابنیه و آثار تاریخی و گرایش به بازآفرینی کارکردی و باززنده سازی آنان اشاره نمود. در این دوره توجه ویژه ای به حفظ ارزش های فرهنگی، تاریخی، زیبایی شناختی و اجتماعی صورت می گیرد؛ همچنین این دوره آغازگر توجه به ارزش های اجتماعی میراث و زمینه ساز تعمیم نگرش حفاظت از ارزش ها از مقیاس بنا به بافت می باشد، شروع آن را می توان از تصویب قطعنامه آمستردام در سال ۱۹۷۵ م دانست. بروز

ژاپن که سند نارارا به دلیل سنت های خاص خود مطرح می کند یا منشور ایکوموس نیوزلند که به منظور حفاظت از میراث فرهنگی کشور نیوزیلند ارائه می گردد؛ در ایران بایستی تلاش بیشتری به منظور تدوین اسناد و قوانین متکی بر اعتقادات، فرهنگ و هویت بومی جامعه ایرانی صورت پذیرد. همسو شدن کشور ما با این روند تکاملی در طی سال های متمادی مشهود است ولی تاخیر زمانی ما نسبت به مسیر تحول و عدم توجه به برخی از توصیه ها باعث افول محیط های ارزشمند تاریخی در ایران گردیده است که در صورت توجه به موقع به منشورهای بین المللی که دستاورد جامعه جهانی می باشند شاید می توانست مانع این آسیب ها گردد. به هر حال آنچه تاکنون در کشور ما رعایت شده سطحی فراتر از همان منشور و نیز نبوده است هرچند که در سال های اخیر توجه به مفاهیم و ساز و کارهای مشارکت های مردمی و بسترسازی به منظور ایجاد هماهنگی بین ادارات و سازمان های مختلف و موضوع مدیریت یکپارچه مورد توجه قرار گرفته است، لکن به علت عدم بسترسازی و آگاهی های کافی در این زمینه نتوانسته اند راه به جایی ببرند. بنظر می رسد که در سیاست ها و خط مشی های مورد استفاده نیاز است که با استفاده از تجربیات جهانی که در منشورها ارائه شده و همچنین با شناخت کافی از شرایط کشور جهت بومی سازی دستاوردهای جهانی در قالب منشور حفاظت در ایران بکوشیم.

در ادامه نتایج حاصل از بررسی و دسته بندی اسناد منتشره، کنوانسیون ها، بیانیه ها و منشورهای بین المللی در حوزه حفاظت و بازآفرینی را می توان در قالب جدولی به تفکیک سطح اهمیت



نمودار ۱- سیر تکامل رویکردها، سیاست ها و برنامه های حفاظت، در این دیاگرام تداوم حضور دیدگاه های متاخر به موازات دیدگاه های نوین تا اواخر قرن ۲۰ دیده می شود.

برنامه‌ریزی و آموزشی پرداخته می‌شود (Larkham, 1999). در این دهه توجه به بُعد اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی حفاظت و ایفای نقش محوری توسعه در سیاست‌ها و رویکردهای حفاظتی و بدنبال آن نقش مهم حفاظت و توجه به ارزش‌های میراث فرهنگی و طبیعی در سیاست‌ها و رویکردهای توسعه و بازآفرینی، موج جدیدی را در سیاست‌ها و برنامه‌های این نهضت بوجود می‌آورد (نمودار ۱ و ۲). در ادامه سیاست «بازآفرینی حفاظت مینا» در روند بررسی تحولات و سیر تکاملی رویکردها و سیاست‌های حفاظت و توسعه، به عنوان جامع‌ترین سیاست در مواجهه با مسایل بافت‌های فرهنگی - تاریخی معرفی و بررسی می‌گردد.

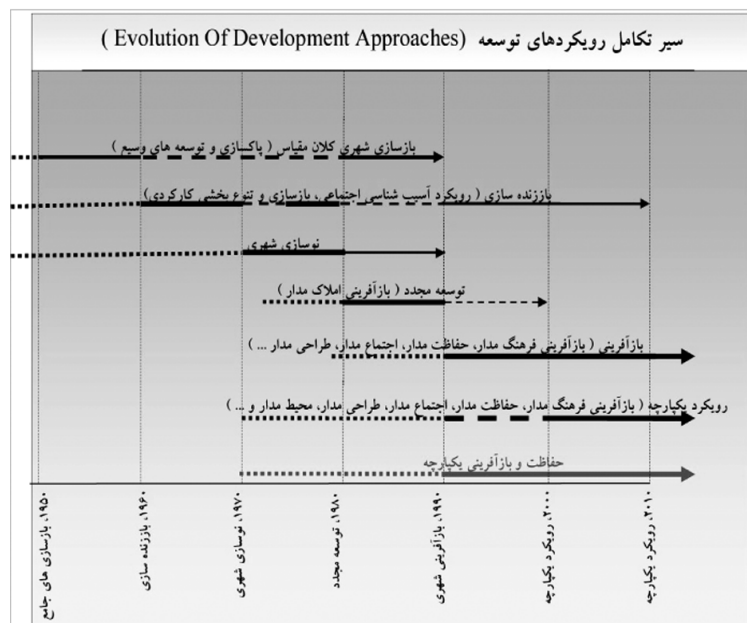
۳- «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» از طریق سیاست «بازآفرینی حفاظت مینا»

«حفاظت بدنبال بازگشت به گذشته نیست، بلکه راه‌حلی پایدار، به منظور برطرف نمودن مشکلات اجتماعی و اقتصادی شهرها و مراکز تاریخی معرفی می‌نماید. امروزه، مفهوم حفاظت به حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی بسط یافته است؛ همچنین، حفاظت قادر به بازگرداندن روند فرسایش و تزریق زندگی جدید در ساختارهای تاریخی می‌باشد» (English Heritage, 1998, 1). در دهه‌های اخیر حفاظت و استفاده مجدد از ساختمان‌های تاریخی مورد توجه قرار گرفته‌اند و به محرکی مهم در فرآیند توسعه مبدل گردیده‌اند. پیتر لارکهام (۱۹۹۹ م) در ارتباط با نقش اقتصادی حفاظت این گونه بیان می‌کند که حفاظت و توسعه در اصل و ذاتاً دو رویکرد مکمل می‌باشند. میراث انگلستان در سال ۲۰۰۸ م سندی تحت عنوان «اصول حفاظت؛ سیاست‌ها و راهبردهایی برای مدیریت پایدار محیط‌های تاریخی»^{۱۶} منتشر نمود، که در آن «حفاظت به معنای فرآیند مدیریت تغییر یک مکان ارزشمند و با اهمیت در بستر و بافت شهری می‌باشد به نحوی که ارزش‌های میراثی آن به بهترین شکل پایدار بماند، در حالی که فرصت‌هایی به منظور شناسایی و غنا بخشیدن به ارزش‌ها برای نسل‌های حال و آینده وجود دارد» (English Heritage, 2008, 7). بر اساس تعاریف برشمرده در این سند موضوع حفاظت، توجه و ارتقای ارزش‌های میراثی را مدنظر قرار می‌دهد و ارائه اصول، سیاست‌ها و قواعد راهنما در این سند بر مبنای سنجش معیارهای «اصالت»، «یکپارچگی» و «ارزش» در مکان تاریخی، استوار می‌باشد. بر مبنای این رویکرد طیف وسیعی از ارزش‌ها در حفاظت مکان تاریخی مورد توجه و سنجش قرار می‌گیرند [ارزش شهودی، ارزش تاریخی، ارزش زیبایی شناختی و ارزش اجتماعی]. در سند دیگری از میراث انگلستان در سال ۲۰۱۰ م،

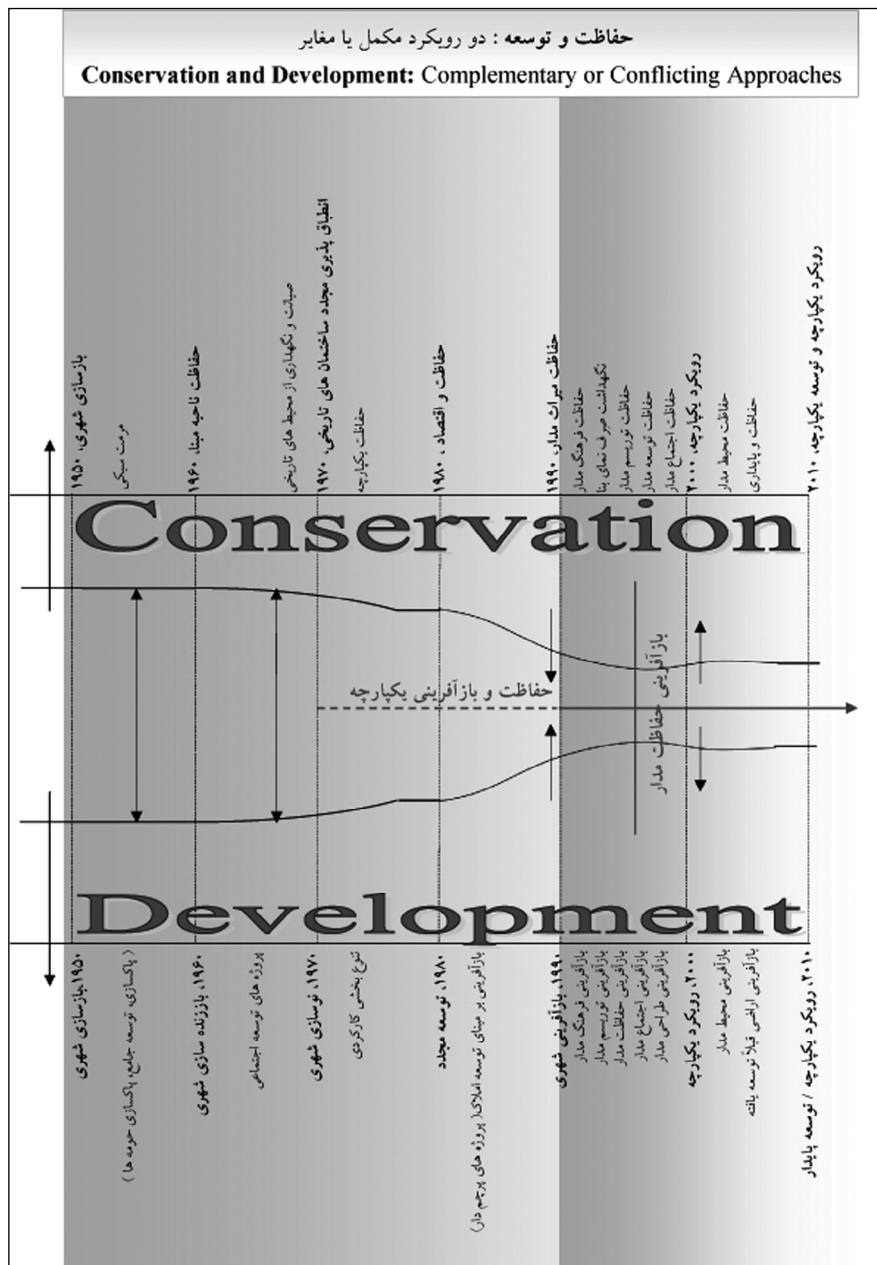
چنین اقدامات و برنامه‌هایی بیانگر نوعی همگرایی میان سیاست‌های حفاظت و بازآفرینی یا به عبارتی توسعه برای نخستین بار می‌باشد (Ashworth, 1991; Pendelbery, 2009). از این رو، «دهه هفتاد را می‌توان تأکید مشخصی بر ارزش‌های اجتماعی میراث، دهه هشتاد را تأکید بر پتانسیل‌های اقتصادی میراث و دهه نود را متمرکز بر موضوع یکپارچگی در حوزه حفاظت دانست» (Pen-delbery, 2009, 6). از اواخر قرن بیستم، گرایش به استفاده مجدد از ابنیه و آثار تاریخی که از دهه‌های پیش آغاز شده بود، مسیر جنبش حفاظت را به سوی استفاده سودآور (اقتصادی) از آثار و ابنیه تاریخی متمایل نمود. در این دوره، بناهای تاریخی حکم منابع کلیدی را در برنامه‌های توسعه و نوسازی دارند و از این پس واژه «میراث» در توسعه محیط‌های تاریخی مورد توجه قرار می‌گیرد و توسعه اقتصادی میراث‌گرایی جدید در رویکردهای جدید مدیریت محیط‌های تاریخی به شمار می‌رود.

در ادامه در دهه ۱۹۹۰ م در واکنش به انتقادات ایجاد شده پیرامون طرح‌های توسعه مجدد و توسعه مستغلات در دهه ۱۹۸۰ م، تلاش‌هایی به منظور صیانت از مکان‌های تاریخی صورت می‌گیرد و مشارکت اجتماع محلی و شهروندان در فرآیند حفاظت و بازآفرینی، به رسمیت شناخته می‌شود. همچنین توقعات نسبت به کیفیت برنامه‌های بازآفرینی ارتقاء می‌یابد دیگر نوسازی کالبدی کافی نمی‌باشد، بلکه جنبه‌های دیگری همچون افزایش اشتغال، کاهش فقر، محرومیت اجتماعی، پیش‌بینی تسهیلات اجتماعی و تمهیدات آموزشی، مورد توجه قرار می‌گیرند. از این رو، از دهه ۱۹۹۰ م به بعد، رویکرد «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» مورد توجه قرار می‌گیرد.

در این رویکرد ضمن توجه همه جانبه به طیف متنوعی از ارزش‌ها اعم از تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تعمیم قلمرو حفاظت و بازآفرینی یکپارچه در بسترهای سیاسی،



نمودار ۲- سیر تکامل رویکردها، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه.



نمودار ۳- سیر تکامل مفاهیم، سیاست ها و برنامه های حفاظت و توسعه از ۱۹۵۰ تاکنون با تاکید بر دو دهه اخیر. (ماخذ: تنظیم بر اساس ایزدی، ۱۳۹۰)

برنامه ریزی و توسعه^{۳۲} معرفی می گردند. هدف اصلی از ارائه دو سند نامبرده «درک و شناخت ارزش مکان تاریخی» و «اهمیت شناخت و سنجش معیارهای «اصالت»، «یکپارچگی» و «ارزش نسبی» و در مجموع «برجستگی و منزلت مکان تاریخی» به منظور مدیریت تغییرات و توسعه در محیط تاریخی» می باشد. شناخت و سنجش معیار «برجستگی» مکان تاریخی ابزاری مهم و عملی برای مدیریت آگاهانه محیط های تاریخی می باشد، هدف از شناخت آن یاری رساندن به برنامه ریزان، متخصصان حفاظت، مردم، توسعه گران و سایر گروه های دخیل در مدیریت حفاظت و بازآفرینی بافت های تاریخی می باشد، به گونه ای که بواسطه آن بتوان گذشته را در تغییرات جدید و توسعه های معاصر مطرح نمود. استفاده مجدد از ساختارهای

تحت عنوان «ساختن گذشته به عنوان بخشی از آینده^{۳۰}» افزایش توجه مردم به محیط تاریخی، «برجستگی و منزلت فرهنگی آن»، به عنوان مهم ترین تغییرات دو دهه گذشته معرفی شده اند. بسیاری از مردم، محیط تاریخی را امروزه یکی از عوامل تقویت حس تعلق به مکان، آسایش و رفاه اجتماعی، کیفیت بخشی، تنوع و معنابخشی به مکان به شمار می آورند. از این رو حفاظت و توسعه بافت های تاریخی به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از زندگی معاصر و پایه ای برای زندگی فردا می باشند. در پایان دو سند دیگر از مجموعه اسناد منتشره میراث انگلستان در سال ۲۰۱۰ با عنوان «درک مکان؛ شناخت و سنجش مکان تاریخی: بررسی اصول و اقدامات عملی^{۳۱}» و «درک مکان؛ شناخت و سنجش مکان تاریخی در بستر

جدول ۲- معیارها و مولفه های تعیین کننده «چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» با ذکر منابع مورد استناد.

معیارهای اصلی چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه	زیر معیارهای تعیین کننده چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه
۱- برجستگی؛ (۱) Doratli, ۲۰۰۴, ۲۰۰۵; (۲) Larkham, ۱۹۹۶; (۳) Jokilehto, ۲۰۰۷; (۴) Pendelbery, ۲۰۰۹ (۵) طالبیان, ۱۳۸۴; (۶) «منشور ایکوموس نیوزیلند, ۱۹۹۳ م»; (۷) «منشور ناراه, ۱۹۹۴ م»; (۸) «منشور بورا, ۱۹۹۹ م»; (۹) «بیانیه مکزیکوسیتی, ۲۰۰۰ م»; (۱۰) «منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی, ۲۰۰۴ م»; (۱۱) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی, ۲۰۰۸ م».	۱-۱- اصالت؛ (۱) Stovel, ۲۰۰۷; (۲) Jokilehto, ۲۰۰۷; (۳) Tiesdell et al, ۱۹۹۶; (۴) Larkham, ۱۹۹۶; (۵) Pendelbery, ۲۰۰۹; (۶) طالبیان, ۱۳۸۴; (۷) «منشور ایکوموس نیوزیلند, ۱۹۹۳ م»; (۸) «سند ناراه, ۱۹۹۴ م»; (۹) «بیانیه مکزیکوسیتی, ۱۹۹۹ م»; (۱۰) «منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی, ۲۰۰۴ م»; (۱۱) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی, ۲۰۰۸ م».
۲- سرزندگی اقتصادی (۱) Pendelbery, ۲۰۰۰, ۲۰۰۹; (۲) Urban Task Force, ۱۹۹۹; (۳) Strange and Whitney, ۲۰۰۳; (۴) Doratli, ۲۰۰۵; (۵) Tiesdell et al, ۱۹۹۶; (۶) Pearce, ۱۹۹۴; (۷) Larkham, ۱۹۹۶; (۸) «بیانیه مکزیکوسیتی, ۱۹۹۹ م»; (۹) «منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی, ۲۰۰۴ م»; (۱۰) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی, ۲۰۰۸ م».	۲-۱ یکپارچگی؛ (۱) Strange, ۱۹۹۷; (۲) Strange and Whitney, ۲۰۰۳; (۳) Jokilehto, ۲۰۰۷; (۴) Stovel, ۲۰۰۷; (۵) Larkham, ۱۹۹۶; (۶) Pendelbery, ۲۰۰۹ (۷) طالبیان, ۱۳۸۴; (۸) «منشور ایکوموس نیوزیلند, ۱۹۹۳ م»; (۹) «سند ناراه, ۱۹۹۴ م»; (۱۰) «بیانیه مکزیکوسیتی, ۱۹۹۹ م»; (۱۱) «منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی, ۲۰۰۴ م»; (۱۲) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی, ۲۰۰۸ م».
۳- ارزش نسبی؛ (۱) Jokilehto, ۲۰۰۷; (۲) طالبیان, ۱۳۸۴; (۳) «منشور ایکوموس نیوزیلند, ۱۹۹۳ م»; (۴) «سند ناراه, ۱۹۹۴ م»; (۵) «بیانیه مکزیکوسیتی, ۱۹۹۹ م»; (۶) «منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی, ۲۰۰۴ م»; (۷) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی, ۲۰۰۸ م».	۳-۱ ارزش نسبی؛ (۱) Jokilehto, ۲۰۰۷; (۲) طالبیان, ۱۳۸۴; (۳) «منشور ایکوموس نیوزیلند, ۱۹۹۳ م»; (۴) «سند ناراه, ۱۹۹۴ م»; (۵) «بیانیه مکزیکوسیتی, ۱۹۹۹ م»; (۶) «منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی, ۲۰۰۴ م»; (۷) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی, ۲۰۰۸ م».
۱- توسعه فیزیکی (۱) Roberts & Sykes, ۲۰۰۰; (۲) Tiesdell et al, ۱۹۹۶; (۳) Doratli, ۲۰۰۴, ۲۰۰۵; (۴) Altrock, ۲۰۰۶; (۵) Pendelbery, ۲۰۰۹; (۶) Ashworth, ۱۹۹۱; (۷) Pearce, ۱۹۹۴; (۸) Larkham, ۱۹۹۶; (۹) «منشور حفظ میراث شهری کشورهای اسلامی, ۲۰۰۴ م»; (۱۰) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی, ۲۰۰۸ م».	۲- توسعه کارکردی (۱) Pearce, ۱۹۹۴; (۲) Pendelbery, ۲۰۰۰, ۲۰۰۹; (۳) Tiesdell et al, ۱۹۹۶; (۴) Altrock, ۲۰۰۶; (۵) Ashworth, ۱۹۹۱; (۶) Doratli, ۲۰۰۴, ۲۰۰۵; (۷) Larkham, ۱۹۹۶;
۳- توسعه فرهنگی-اجتماعی (۱) Roberts & Sykes, ۲۰۰۰; (۲) Urban Task Force, ۱۹۹۹; (۳) Bianchini and Parkinson, ۱۹۹۳; (۴) Strange and Whitney, ۲۰۰۳; (۵) Tiesdell et al, ۱۹۹۶; (۶) Altrock, ۲۰۰۶; (۷) Pendelbery, ۲۰۰۹; (۸) Ashworth, ۱۹۹۱; (۹) Doratli, ۲۰۰۴, ۲۰۰۵; (۱۰) Pearce, ۱۹۹۴; (۱۱) «منشور ایکوموس نیوزیلند, ۱۹۹۳ م»; (۱۲) «سند ناراه, ۱۹۹۴ م»; (۱۳) «منشور بورا, ۱۹۹۹ م»; (۱۴) «بیانیه مکزیکوسیتی, ۱۹۹۹ م»; (۱۵) «کنوانسیون حفاظت و صیانت از میراث فرهنگی ناملموس, ۲۰۰۳ م»; (۱۶) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی, ۲۰۰۸ م».	۳- توسعه فرهنگی-اجتماعی (۱) Roberts & Sykes, ۲۰۰۰; (۲) Urban Task Force, ۱۹۹۹; (۳) Bianchini and Parkinson, ۱۹۹۳; (۴) Strange and Whitney, ۲۰۰۳; (۵) Tiesdell et al, ۱۹۹۶; (۶) Altrock, ۲۰۰۶; (۷) Pendelbery, ۲۰۰۹; (۸) Ashworth, ۱۹۹۱; (۹) Doratli, ۲۰۰۴, ۲۰۰۵; (۱۰) Pearce, ۱۹۹۴; (۱۱) «منشور ایکوموس نیوزیلند, ۱۹۹۳ م»; (۱۲) «سند ناراه, ۱۹۹۴ م»; (۱۳) «منشور بورا, ۱۹۹۹ م»; (۱۴) «بیانیه مکزیکوسیتی, ۱۹۹۹ م»; (۱۵) «کنوانسیون حفاظت و صیانت از میراث فرهنگی ناملموس, ۲۰۰۳ م»; (۱۶) «منشور ایکوموس پیرامون سیر فرهنگی, ۲۰۰۸ م».

۴- در جستجوی تدوین چارچوب مفهومی «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه»

در این بخش، به منظور آگاهی از معیارهای اصلی شکل دهنده «چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه»، در قسمت اول اهمیت «برجستگی» به عنوان معیار اصلی «چارچوب حفاظت یکپارچه^{۲۴}» بیان می شود. همچنین عوامل تعیین کننده معیار «برجستگی» شامل: «ارزش نسبی»، «اصالت» و «یکپارچگی» معرفی می گردند. دومین قسمت این بخش، «چارچوب بازآفرینی یکپارچه^{۲۵}» را معرفی می کند و «سرزندگی اقتصادی^{۲۶}» را به عنوان معیار کلیدی «بازآفرینی یکپارچه» مطرح می نماید. عوامل دیگری همچون: «بازآفرینی فیزیکی»، «بازآفرینی کارکردی» و «بازآفرینی فرهنگی - اجتماعی»، به عنوان عوامل تعیین کننده معیار «سرزندگی

تاریخی و خلق فضاهای جدید، بر مبنای احترام به معیارهای «اصالت»، «یکپارچگی»، «ارزش» و در مجموع «برجستگی و منزلت مکان تاریخی»، به عنوان مهم ترین محرکه های توسعه در برنامه های سیاست «بازآفرینی حفاظت مینا» مورد توجه می باشند. سیاست «بازآفرینی حفاظت مینا» بیشترین تعادل و همگرایی را میان برنامه ها و اقدامات حفاظت و بازآفرینی (توسعه) در مکان های تاریخی فراهم می کند (نمودار ۳).

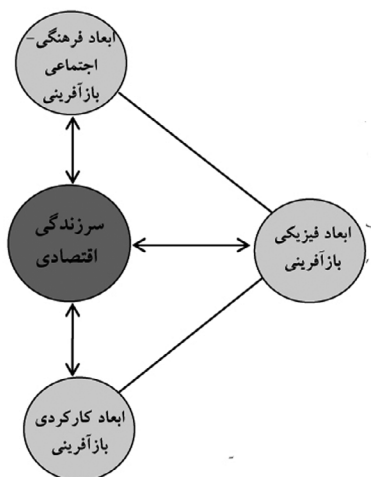
در ادامه با توجه به مطالب ارائه شده، به بحث پیرامون «چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» و معرفی معیارهای اصلی تعیین کننده آن به عنوان محصول مقاله حاضر پرداخته می شود. از این رو، مهم ترین معیارها و مولفه های تعیین کننده «چارچوب حفاظت یکپارچه» و «چارچوب بازآفرینی یکپارچه» با ذکر منابع مورد استناد در جدول دو^{۲۳} معرفی می گردند. در بخش بعدی «چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» به عنوان چارچوب مفهومی مقاله حاضر معرفی می گردد.

را بر عهده دارند (تصویر ۱). «چارچوب حفاظت یکپارچه» به عنوان بخشی از چارچوب مفهومی «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» بایستی نیروهای توسعه ای را در تعامل با «برجستگی» مکان تاریخی مورد توجه قرار دهد و در راستای تحقق «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» بایستی تعامل و تعادل میان معیارهای «برجستگی» و «سرزندگی اقتصادی» در بافت های تاریخی برقرار گردد.

۴-۲- بازآفرینی یکپارچه؛ سرزندگی اقتصادی به عنوان معیار کلیدی

«مراکز تاریخی شهری باید به عنوان بخشی از پویایی اقتصاد شهر مورد توجه قرار گیرند؛ آنها مناطقی مستقل به لحاظ کارکردی نمی باشند و معمولاً نوعی رابطه همزیستی با سایر مناطق شهر دارند. همچنین مراکز تاریخی تنها به منظور اقدامات حفاظتی مورد توجه نمی باشند بلکه باید برای بازآفرینی نیز مورد توجه قرار گیرند» (Tiesdell et al., 1996; cited in Doratti et al., 2004, 751).

دومین قسمت این بخش «چارچوب بازآفرینی یکپارچه» را مورد شناسایی قرار می دهد و «سرزندگی اقتصادی» را به عنوان معیار کلیدی این بخش معرفی می کند. همچنین «بازآفرینی فیزیکی»^{۲۷}، «بازآفرینی کارکردی»^{۲۸} و «بازآفرینی اجتماعی - فرهنگی»^{۲۹} را به عنوان ابعاد مختلف بازآفرینی یکپارچه معرفی می کند که بر معیار «سرزندگی اقتصادی» تاثیرگذار می باشند (تصویر ۲). درک این عوامل و فرآیندها به منظور شکل گیری «چارچوب بازآفرینی یکپارچه» و تجزیه و تحلیل اقدامات بازآفرینی در بافت های تاریخی ضرورت دارد. هرچند که انواع مختلف بازآفرینی، فیزیکی، کارکردی و فرهنگی - اجتماعی، به منظور معاصر سازی بافت های تاریخی لازم و مکمل یکدیگر می باشند لکن هدف اصلی از بازآفرینی بافت های تاریخی، ایجاد امکان بهره برداری اقتصادی از مکان، به گونه ای می باشد که ارزش کافی به منظور پوشش هزینه های بازآفرینی و نوسازی را ایجاد کند؛ بازگشت سرمایه را برای مالکان یا توسعه گران فراهم آورد و درآمد لازم به منظور هزینه های بلند مدت نگهداری و حفاظت از بناها و بافت های تاریخی را تامین نماید (English



تصویر ۲- چارچوب بازآفرینی یکپارچه.

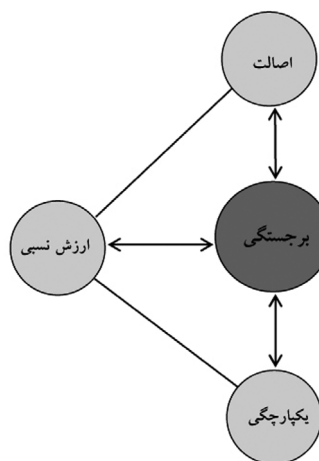
اقتصادی» مورد توجه قرار می گیرند. درک و شناخت این عوامل و معیارها به منظور شکل گیری و تدوین «چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» و تجزیه و تحلیل طرح های بازآفرینی در بافت های تاریخی ضروری به نظر می رسد.

۴-۱- حفاظت یکپارچه؛ برجستگی به عنوان معیار کلیدی

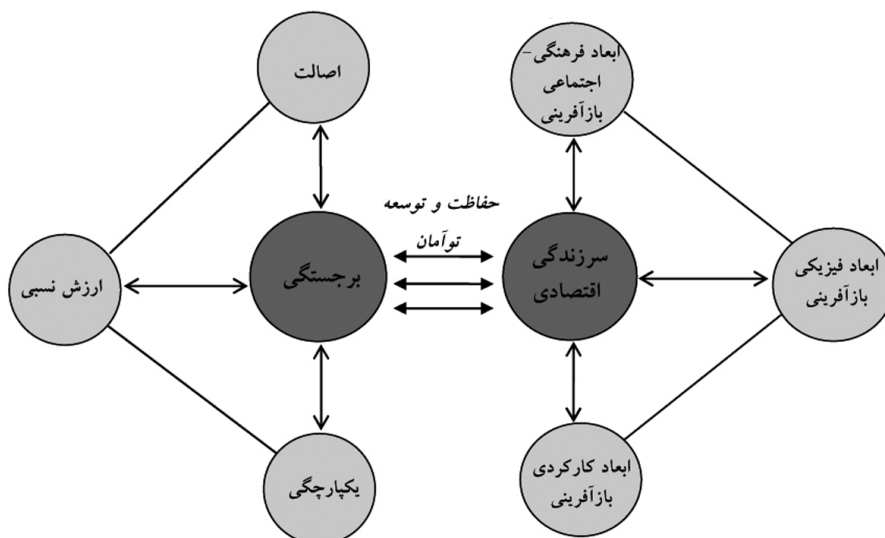
«برجستگی و منزلت فرهنگی اصطلاحی است که متخصصان حفاظت به منظور خلاصه نمودن ارزش های چند گانه میراث از آن استفاده می کنند (Getty Conservation Institute, 2000, 8). در منشور بورا، برجستگی به عنوان مجموع ارزش های زیبایی شناختی، تاریخی، علمی، اجتماعی یا معنوی برای نسل های گذشته، حال و آینده قلمداد شده است (Jokilehto, 1998).

بررسی های صورت گرفته در این زمینه نشان می دهند که مفاهیم کنونی حفاظت به صورت گسترده ای موضوع حفاظت را در سیاست گذاری و برنامه ریزی شهری مورد توجه قرار داده اند. در این زمینه، برخی از کمیته های ملی ایکوموس مانند: ایکوموس استرالیا، ایکوموس نیوزیلند و برخی سازمان ها از جمله؛ میراث انگلستان و بسیاری دیگر از نمایندگی های دولتی و غیردولتی (NGOs)، سیاست هایی را به منظور مدیریت «حفاظت یکپارچه» تدوین نموده اند و از روش های برنامه ریزی ارزش محور به منظور استفاده موثر از ارزش ها در فرآیند سیاست گذاری و برنامه ریزی حفاظت استفاده نموده اند. در نتیجه، تدوین «چارچوب حفاظت یکپارچه» تلاشی است به منظور شناسایی فرآیند مدیریت مکان میراثی، که به بهترین شکل ارزش های میراثی مکان را پایدار می سازد، در حالی که فرصت ها را به منظور آشکار سازی یا تقویت ارزش ها برای نسل های حال و آینده به رسمیت می شناسد (English Heritage, 2008).

«برجستگی» به عنوان معیار کلیدی «چارچوب حفاظت یکپارچه» می باشد؛ همچنین مولفه های «ارزش نسبی»، «اصالت» و «یکپارچگی»، تعیین کننده معیار «برجستگی» مکان می باشند. عوامل مذکور در سنجش «برجستگی» مکان تاریخی نقش مهمی



تصویر ۱- چارچوب حفاظت یکپارچه.



تصویر ۳ - چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه.

یکپارچگی و تعادل بایستی با معیار «سرزندگی اقتصادی» در رابطه و تعامل باشند و عوامل موثر و تعیین کننده «چارچوب حفاظت یکپارچه» شامل؛ اصالت، یکپارچگی و ارزش نسبی بایستی با معیار «برجستگی» در رابطه و تعامل باشند. نتیجتاً به منظور شکل گیری «چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه»، معیارهای «برجستگی» و «سرزندگی اقتصادی» بایستی در تعامل و تعادل با یکدیگر قرار گیرند (تصویر ۳). در این میان سیاست بازآفرینی حفاظت مبنایا به عبارتی جامع تر حفاظت و توسعه توآمان بیشترین همگرایی و نزدیکی را میان معیارهای «برجستگی» و «سرزندگی اقتصادی» ایجاد می کند و نقش موثری در «چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» دارد.

(Heritage, 2008)، هرچند که؛ حفظ ارزشها و «برجستگی» مکان تاریخی به عنوان مهمترین اصل در بازآفرینی محیطهای تاریخی همواره باید مقدم بر همه امور باشد.

۳-۴ - چارچوب مفهومی حفاظت و بازآفرینی یکپارچه؛ برجستگی و سرزندگی اقتصادی به عنوان معیارهای کلیدی آن

«چارچوب حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» از دو بخش «حفاظت یکپارچه» و «بازآفرینی یکپارچه» تشکیل شده است. در «چارچوب بازآفرینی یکپارچه»؛ انواع بازآفرینی فیزیکی، کارکردی و فرهنگی - اجتماعی به منظور تحقق و ایجاد

نتیجه

«سیاست بازآفرینی حفاظت مبنایا» استوار سازند و از طرفی دیگر، متخصصان و مدیران امر حفاظت از مکانهای فرهنگی-تاریخی نیز باید در تدوین راهبردها و سیاستهای حفاظت، توجه ویژه به امر توسعه و بازآفرینی بر مبنای رویکردی یکپارچه و کل نگر داشته باشند و معیار «سرزندگی اقتصادی» را در تعامل و تعادل با معیار «برجستگی» مکان تاریخی و عوامل «اصالت»، «یکپارچگی» و «ارزش نسبی» مکان تاریخی مورد توجه قرار دهند و برنامه های خود را بر مبنای «سیاست حفاظت توسعه مبنایا» شکل دهند. هرچندکه، تحقق یکپارچگی میان اهداف حفاظت و بازآفرینی چالشی است نه تنها برای این نسل، بلکه چالشی هست که برطرف نمودن آن نیاز به تعهد همه اقشار و گروهها در همه نسلها دارد. از این رو، راهکارها برای هرگونه اقدام در هر زمینه ای، باید همه جانبه، بومی شده و در عین حال متنوع و بر مبنای حفظ «برجستگی و ارزشهای» آن زمینه و مکان خاص باشند. لذا نگاه ما در ایران باید به بررسی امکان چگونگی

در این مقاله ضمن تدوین چارچوب مفهومی «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» بر پایه بررسی مجموعه ای از نظریات، اسناد و مستندات، معیارهای «سرزندگی اقتصادی» و «برجستگی» به عنوان معیارهای کلیدی به منظور تدوین چارچوب مفهومی «حفاظت و بازآفرینی یکپارچه» معرفی گردیدند. درک و شناخت این معیارها نقش قابل ملاحظه ای در موفقیت طرحها و برنامه های حفاظت و بازآفرینی در بافت های فرهنگی - تاریخی برعهده دارند. به علاوه ذکر این نکته ضروری است که امروزه حفاظت و توسعه به مثابه دو جریان مکمل مورد توجه برنامه ریزان و سیاست گزاران شهری قرار گرفته اند و متولیان امر توسعه بایستی برای تحقق برنامه های توسعه ای در بافت های فرهنگی - تاریخی به تدوین سیاست های مشترک با مدیران بخش حفاظت بر پایه رویکردی متعادل، همه جانبه نگر و یکپارچه بر مبنای توجه به معیارهای «سرزندگی اقتصادی» و «برجستگی» مکان به صورت توآمان پرداخته و برنامه های خود را بر اساس

دو واژه «حفاظت و توسعه» می تواند موجب انتقال کج اندیشی و حتی خطر ساز برای حوزه میراث فرهنگی تلقی گردد. قرار گیری این دو واژه در تفکر و فرهنگ مدرن، بواسطه تلاش هایی که از دهه ۱۹۷۰ م به این سو به منظور ایجاد یکپارچگی، جامع نگری و رفع معایب گذشته صورت پذیرفته است، نتایج مثبتی داشته است؛ حال آنکه صاحب نظران و متخصصین ما در ایران باید با تلاش خود، گام های پس از آن را در انطباق با شرایط زمینه ایران متصور شوند و به جای نهایی تلقی نمودن دست یافته ها و نتایج بدست آمده در تفکر و فرهنگ غرب به مفاهیمی بیندیشند که از عمق فرهنگ ایرانی - اسلامی قابل استنتاج باشد.

استخراج مفهوم و روش های توسعه از بستر میراث فرهنگی ایرانی - اسلامی، متمرکز باشد. باید این نکته را مدنظر قرار داد؛ که «توسعه و نوسازی» در ایران و هر زمینه دیگری؛ هنگامی می تواند در تعادل با حفاظت از «برجستگی و ارزش های ملموس و ناملموس» میراث معماری و شهری قرار گیرد که بر مینا و متکی بر میراث فرهنگی ایران اسلامی یا به عبارتی زمینه اقدام شکل بگیرد. معیار «برجستگی»، به عنوان معیاری جدی و بنیادی در اقدامات توسعه ای باید مورد توجه قرار گیرد؛ از این رو، توسعه در صورتی می تواند متعالی و منجر به بازآفرینی گردد که از دل میراث فرهنگی بیرون آید. در غیر این صورت، کنار هم قرار دادن

پی نوشت ها:

۲۳. برای اطلاع بیشتر از فهرست و مواد قطعنامه ها، کنوانسیون ها و بیانیه های مورد اشاره در جدول دو رجوع شود به: حناچی و همکاران، ۱۳۸۹.

- 24 Integrated Conservation Framework.
- 25 Integrated regeneration framework.
- 26 Economic vitality.
- 27 Physical regeneration.
- 28 Functional regeneration.
- 29 Socio-cultural regeneration.

فهرست منابع:

ایزدی، محمد سعید (۱۳۹۰)، بازآفرینی شهری کنشی و بینش جامع و یکپارچه در ساماندهی محدوده های هدف برنامه های بهسازی و نوسازی شهری، نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر، شماره ۳۳-۳۴، صص ۸۱-۷۳.

حناچی، پیروز و همکاران (۱۳۸۶)، حفاظت و توسعه در ایران (تجزیه و تحلیل تجارب مرمت در بافت های با ارزش شهرهای تاریخی ایران)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۲، صص ۵۱-۶۰.

حناچی، پیروز و همکاران (۱۳۸۹)، مطالعه ارزیابی، تدوین طرح های شرکت عمران و بهسازی شهری ایران و نقد مباحث نظری مربوط به آنها با هدف دستیابی به راهکار مناسب برای مداخله در بافت های شهری، اداره کل پژوهش های کاربردی دانشگاه تهران و شرکت عمران و بهسازی.

حبیبی، سید محسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۶)، مرمت شهری، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

طالبیان، محمد حسن (۱۳۸۴)، نقش مفهوم اصالت در حفاظت محوطه های میراث جهانی؛ تجاربی از دورانتاش برای حفاظت مبتنی بر اصالت، پایان نامه دکتری؛ دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، صص ۱۰۰-۸۴.

لطفی، سهند (۱۳۸۷)، حفاظت و بازآفرینی شهری، مفاهیم و شرایط (با تاکید بر سالهای دهه ۱۹۹۹ م تاکنون)، پایان نامه دکتری؛ دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

- 1 Getty Conservation Institute(GCI).
- 2 UNESCO.
- 3 ICOMOS.
- 4 ICCROM.
- 5 ICOM.
- 6 OWHS – Organization of world Heritage Cities.
- 7 ENGLISH HERITAGE.
- 8 Conservation Led-Regeneration.
- 9 Conservation through Regeneration.
- 10 Authenticity.
- 11 Integrity.
- 12 Relative value.
- 13 Significance.

۱۴ در این میان سطح اهمیت سند به سه دسته کلی بین المللی، منطقه ای و ملی تقسیم می شود، بخش مهمی از این اسناد مربوط به منشورها، بیانیه ها و اسناد مصوب ایکوموس می باشند.

۱۵ برای اطلاعات بیشتر پیرامون متن هریک از قطعنامه ها و اسناد مربوطه رجوع کنید به؛ حناچی و همکاران، ۱۳۸۹.

- 16 Charters adopted by the general assembly of ICOMOS.
- 17 Resolutions and Declarations of ICOMOS Symposia.
- 18 Charters adopted by ICOMOS National Committees.
- 19 Conservation Principles: policies And Guidance for the sustainable management of historic environment, 2008.
- 20 Making the past part of our future, English Heritage Strategy 2005-2010.
- 21 Heritage area assessment : principles and practice, 2010.
- 22 Understanding place: Historic Area Assessments in a Planning and Development Context, English Heritage 2010.

- Pendlebury, J. (2000), Conservation, Conservatives and Consensus: The Success of Conservation under the Thatcher and Major Governments, 1979–1997. *Planning Theory & Practice*, 1, pp. 31-52.
- Pendlebury, J. (2005), 'The Modern Historic City: Evolving Ideas in Mid-20th-century Britain', *Journal of Urban Design*, 10, (2), pp. 253-273.
- Pendlebury, J. (2009), *Conservation in the age of consensus*, USA and Canada: Rutledge.
- Roberts, P.W and Sykes, H. (2000), *Urban Regeneration: A Hand Book*, London : Sage.
- Strange, I. (1997), Planning for change, conserving the past: towards sustainable development policy, *in historic cities?*, *Cities*, 14, (4), pp. 227-233.
- Strange, I. & Whitney, D. (2003), The changing roles and purposes of heritage conservation in the UK, *Planning Practice and Research*, 18, pp. 219-229.
- Stovel H (2007), Effective use of authenticity and integrity as world heritage qualifying conditions. *City & Time*, 2 (3): 3. online.
- Tiesdell, S, OC, T and Heath, T (1996), *Revitalizing Historic Urban Quarters*, Oxford, Architectural Press.
- Urban Task Force (1999), *Towards an Urban Renaissance*, London : Department Of The Environment, Transport and The Regions.
- Altrock, Uwe et al (2006), *Spatial planning and urban development in the new EU member states: from adjustment to reinvention*, Ashgate publishing: USA.
- Ashworth, G.J. (1991), *Heritage planning*. Conservation as the management of urban change, Geo pers.
- Bianchini, f. and Parkinson, M. (1993), *Cultural Policy and Urban Regeneration: The Western European Experience*, Manchester: Manchester university Press.
- Doratli, N. (2005), Revitalizing historic urban quarters: A model for determining the most relevant strategic approach, *European Planning Studies*, 13(5), pp. 749–772.
- Doratli, N, Hoskara, S. O and Fasli, M (2004), An analytical methodology for revitalization strategies in historic urban quarters: A case study of the walled city of Nicosia, North Cyprus. *Cities*, 21(4), pp. 329–348.
- English Heritage (1998), *Conservation-led Regeneration: The Work of English Heritage*. English Heritage, London.
- English Heritage (2008), Conservation Principles: Policies and Guidance for the Sustainable Management of the *Historic Environment*, English Heritage, London.
- English Heritage (2010), *Understanding place: Historic Area Assessments in a Planning and Development Context*, 1 English Heritage, London.
- English Heritage (2010), *Heritage area assessment : principles and practice*, English Heritage, London.
- English Heritage (2010), *Making the past part of our future, English Heritage Strategy 2005-2010*, English Heritage, London.
- Getty Conservation Institute (2000), *Values and heritage conservation*, Getty Institute, Los Angeles, USA.
- Izadi, M.S. (2008), *A Study Of City Center Regeneration : A Comparative Analysis Of Two Different Approaches To The Revitalization Of Historic City Center In Iran*, PhD Thesis, New Castle University, Faculty Of Humanities and Social Science, School Of Architecture, Planning and Landscape.
- Jokilehto, J. (1998), *Organization, charters and world movement- an overview*, in Warren, J., Worthington, J. and Taylor, S.(eds) *Context: new building in historic settings*. Architectural Press: Boston, pp. 40-50.
- Jokilehto, J. (2007), International charters on urban conservation: some thoughts on the principles expressed in current international doctrine. *City & Time* 3 (3): 2.
- Larkham, P. J. (1996), *Conservation and the city*, London, Routledge.
- Larkham, P. J. (1999), Preservation, Conservation and Heritage: Developing Concepts and Applications. IN Cullingworth, J. B. (Ed.) *British planning: 50 years of urban and regional policy*. New Brunswick, N.J., Athlone Press.
- Pearce, G. (1994), Conservation As a Part Of Urban Regeneration, *Regional Studies*, Vol. 28 (1), pp. 88-93.